

مبانی ایدئولوژیک-سیاسی

www.iran-archive.com

نشریه

آغازی نو

نوشته ای که پیش‌روی شماست، سرسخن نخستین شماره
نشریه "آغازی نو" بود که در زمستان ۱۳۶۵، به انتشار
رسید. این نوشته که حاوی کلی‌ترین خطوط اعتقادی
ماست، هویت ایدئولوژیک - سیاسی ما را بیان می‌نماید.
نشر مستقل و مجزای این نوشته موجب می‌تواند در خدمت
شناخت بیشتر مبارزین انقلابی و هواداران جنبش کمونیستی
نسبت به "آغازی نو" قرار گیرد.

"آغازی نو"

خرداد ۱۳۶۶

رژیم دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم شاه در یکی از حماسی ترین مبارزات مردم ستمدیده جهان، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سرنگون گشت و طومار سلطنت ننگین پهلوی درهم پیچیده شد. حاکمیت ائتلافی جدید که از همان آغاز تحت سیادت نمایندگان اقشار بالائی خرده بورژوازی سنتی (بصورت جناحی از روحانیت به سردمداری خمینی) قرار داشت، به سرعت به سرکوب مبارزات دمکراتیک مردم و آزادیهای سیاسی پرداخت و در مقابل سیر تداوم انقلاب ایستاد. این حاکمیت پس از طی روندی پر پیچ و تاب و بعد از کش و قوسهای فراوان بطور کامل در دست نیروهای واپسگرای مرتجع قرار گرفت و به استقرار استبداد مطلق مذهبی انجامید.

این رژیم قرون وسطائی، نه تنها تمامی دست آوردهای انقلاب بهمن را لگدکوب کرده است، بلکه جامعه را به عقب کشانده و تمامی ره آوردهای یک سده مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده ها را به یغما برده و با سرکوب لجام گسیخته و وحشیانه و ایجاد فضای رعب و وحشت توانسته است تا به امروز به حیات ننگین خود ادامه دهد. این حاکمیت ناهمگون و نا همزاد بازمان کسه کوچکترین تطابق و تناسبی با پیشرفتگی مناسبات اقتصادی - اجتماعی جامعه ندارد، نه تنها قادر به پاسخگویی به خواسته های دمکراتیک مردم نمی باشد، بلکه ناچار است که در سودای واهی تشبیت خویش به تناوب، بحران بیافریند و با مانورهای دائم چند صباحی بر عمر خویش بیافزاید. با این همه در برابر این رژیم قرون وسطائی بیش از دو راه موجود نمی باشد: استحاله و یا سرنگونی.

بدیهی است که همه نیروهای انقلابی خواستار سرنگونی رژیم حاکم به طریق قهرآمیز و توده ای می باشند. اما کمونیستهای انقلابی که همواره نقطه عزیمت خود را منافع کل جنبش و مصالح دراز مدت طبقه کارگر قرار میدهند، سرنگونی رژیم خمینی را جز گام نخست تحول انقلابی آتی و انقلاب اجتماعی پرولتاریائی نمی دانند. با حرکت از این نقطه، سرنگونی انقلابی رژیم خمینی

به مثابه مهم ترین خواست دمکراتیک توده های مردم ایران و به عنوان مانع اصلی انکشاف مبارزه طبقاتی ، شرط مقدم هر نوع تحول به پیش ، وظیفه عاجل و اصلی همه کمونیستهای انقلابی است .

با این همه می بینیم که این رژیم علی رغم خواست عمومی سرنگونی و مبارزه خونین چند سال گذشته نیروهای انقلابی ، هنوز با برجاست . می بینیم که رژیم جبار و سفاکی که در میان توده های مردم منزوی و مطرود و مورد تنفر است ، همچنان برجای باقی است و با اینکه با هزارویک مشکل (بن بست جنگ ، بحران اقتصادی ، رکود تولید ، نارضایتی عمومی ، کشمکشهای شدید درونی ۱۰۰۰۰) مواجه است ، هنوز ساقط نشده است . این امر ، (یعنی بقا) مطمئناً تا آنجا که در محدوده اختیار و اراده ، عامل آگاه و سیاسی جامعه قرار می گیرد ، نسه منبعث از قدرت رژیم ، بل از ضعف نیروهای اپوزیسیون بر می خیزد . گر چه این رژیم قرون وسطائی کوشیده است با سرکوب و اختناق افسارگسیخته و مانورهای دائمی تا کنون به حیات خود ادامه دهد ، اما بی تردید نمی توان تزلزل و تذبذب و سازشکاری طیف وسیعی از جریانات لیبرالی و اشتباهات و خطاهای طیف دمکراسی انقلابی و همچنین ضعفها و فقدان درایت سیاسی کمونیستهای انقلابی را در امر تحقق سرنگونی رژیم نادیده گرفت .

بحران عمیق ایدئولوژیک - سیاسی جنبش چپ ، در طول هفت سال گذشته ، که نمود آن به صورت انشعابات مکرر و متعدد به چشم آمده ، اعتبار و جذابیت و قدرت این جنبش را کاهش داده است . در طیف راست این جنبش دنباله روی " فدائیان اکثریت " از حزب رسوای توده ، روی برتابی این جریان از مبانی فکر انقلابی و تجدید نظر طلبی در اصول بنیادین کمونیسم انقلابی که ترجمان عملی آن در حوزه سیاست بصورت حمایت از رژیم قرون وسطائی حاکم و خیانت به آرمانهای انقلابی مردم تجلی یافت ؛ و در طیف چپ این جنبش ، وجود درک مخدوش از مبانی سوسیالیزم علمی ، فقدان درک سیاسی ، نبود هیچ نوع چشم انداز روشن سیاسی و برنامه متناسب با آن ، عدم توجه به توازن واقعا موجود قوا ، حرکت از هدف نهائی به جای وضعیت واقعی ، موجب چپ و راست زدن های مکرر و زیگزاگهای متعدد نیروهای چپ انقلابی تا پیش از سی ام خرداد گردید . این امر به نوبه خود به اعتبار جنبش چپ در میان توده ها صدمه زد ، و وزن این نیرو را در تاثیر گذاری بر روندهای سیاسی جامعه به شدت تنزل داد . اگر در مرحله پیش از آغاز پروسه عملی سرنگونی رژیم (۳۰ خرداد ماه ۶۰) غلبه تفکر راست بیشترین ضربات را بر حیثیت کمونیستها وارد ساخت ، در مرحله مبارزه عملی

برای سرنگونی رژیم، سیاست های چپ روانه و غیر واقع بینانه موجب تضعیف جنبش دمکراتیک ضد امپریالیستی مردم ایران گردید و بدین ترتیب بر اعتبار کمونیسم لطماتی بیشتر وارد ساخت. این مجموعه شرایط موجب گردید که کمونیستهای انقلابی نتوانند همچون قطب قدرتمندی در کل جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران اعمال نفوذ نمایند، با دخالت فعال خود در تغییر توازن قوا به سود حرکت انقلابی برای براندازی رژیم خمینی موثر واقع شوند و بر روندهای سیاسی این دوره تاثیر مثبت خویش را بر جای گذارند.

با تبدیل مقاومت مسلحانه انقلابی به تاکتیک تعرض مسلحانه جهت براندازی سریع رژیم پس از سی ام خرداد و شکست استراتژی سرنگونی کوتاه مدت؛ طولانی شدن پروسه مبارزه برای تحقق این خواست دمکراتیک مردم ایران؛ تشخیص نادرست موقعیت عمومی جنبش و عدم ارائه پلاتفرم سیاسی متناسب با وضعیت، بی توجهی به روحیه و ذهنیت توده ها و عدم توجه به اشکال مبارزاتی مناسب با ظرفیت و توان حرکت توده ها، کم بها دادن به امر خطیر مبارزه سیاسی؛ اشتباهات و خطاهای سیاسی مجاهدین به عنوان نیروی هژمونیک این مرحله از جنبش، رفته رفته منجر به تغییر توازن قوا در سطح جامعه به ضرر آلترناتیو حرکت براندازی انقلابی رژیم و موجب پیدایش نوعی خلاء سیاسی شد. این امر، در بستر تاثیرات منفی ناشی از سرخوردگی و دلزدگی مردم در عدم تحقق کوچکترین خواسته ها و مطالبات خود، بر دیر باوری و بی اعتمادی مردم نسبت به جریانات سیاسی جامعه دامن زد و باعث گردید که اقشار و سبب از طبقه متوسط از حرکت انقلابی روی برتابند.

با تضعیف آلترناتیو براندازی انقلابی رژیم، زمینه داخلی شکل گیری و قدرت نمایی آلترناتیوهای راست و ضد انقلابی ایجاد گردید. این زمینه داخلی، در کنار وضعیت مساعد بین المللی، (تعرض همه جانبه ارتجاع ایدئولوژیک جهانی به سردمداری دولت ریگان به آرمان و حرکت انقلابی، گسترش بی سابقه جنگ صلیبی بر علیه کمونیسم، حمله همه جانبه بر علیه جنبش های دمکراتیک ضد امپریالیستی مردم جهان، تهاجم نظامی بر علیه کانون انقلاب در منطقه و فروکش جنبش های انقلابی منطقه، عوارض منفی برخی از تجارب انقلابی جهان و ۰۰۰۰) زمینه های بین المللی رشد یابی و تقویت آلترناتیوهای راست و ضد انقلابی شد. طرح آلترناتیوهای "استحاله" و "مشروطه سلطنتی" در متن مجموعه چنین تحولات و فعل و انفعالاتی امکان پذیر شد.

بدین ترتیب، در شرایط حاکمیت ارتجاع سیاه قرون وسطائی، سرکوب

و خفقان لجام گسیخته، تعرض ایدئولوژیک - سیاسی - نظامی ضدانقلاب جهانی؛ در شرایط تضعیف جنبش های انقلابی در منطقه، تاثیرات منفی ناشی از اشتباهات و خطاهای جنبش های انقلابی جهان؛ در شرایط بحران جنبش کمونیستی جهان، انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و تاثیرات مخرب عملکرد برخی از دولتهای سوسیالیستی، در شرایط افت جنبش توده های در ایران، و تضعیف جنبش چپ بطور خاص و جنبش عمومی دمکراتیک و ضدامپریالیستی به طور عام، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران جامعه از اهداف و آرمانهای انقلابی روی برتافتند و بسیاری دیگر در سرگستگی و آشفته فکری بسر می برند، وظیفه سنگین و خطیری پیشروی کمونیستهای انقلابی قرار می گیرد. این واقعیتی است که امروز پیشبرد موفقیت آمیز مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم قرون وسطائی خمینی و حرکت در جهت تشکیل قطب قدرتمند و پر اعتبار کمونیستی در جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی مبینمان ضرورتا به همراه سازماندهی يك ميسارزه فکری و نظری همه جانبه به منظو رپاسخگویی به مشکلات و معضلات ایدئولوژیک - سیاسی امکان پذیر می باشد.

ما که خود را يك گرایش معين در جنبش کمونیستی ایران می دانیم، افرادی هستیم که گذشته های سیاسی و تشکیلاتی متفاوتی را طی نموده ایم و اکنون با انتشار این نشریه برآنیم که با شرکت در مبارزه این دوره به نوبه خود و در حد توان به مسائل سیاسی و ایدئولوژیکی که جنبش مبتلا به آن است، پاسخ گوئیم. ما که خود را يك محفل مارکسیست - لنینیست می دانیم، به خوبی واقفیم که به تنهایی قادر به پاسخگویی به تمامی مسائل و معضلات مبرم این مرحله و انجام مسئولانسه تکالیف سنگین مبارزه انقلابی نمی باشیم. ما چون يك نهر كوچك، تنها در پیوند با نهادهای دیگر که هر يك متناسب با وضعیت و توان خود در راستای تحقق اهداف و الای کمونیستی مبارزه می کنند می توانیم به رود پرخروش فردا تبدیل شویم و با پیشبرد يك سیاست مستقل انقلابی و تاثیر گذاری بر روند های سیاسی جامعه، زمینه های شکل گیری حزب طبقه کارگر را فراهم آوریم. ما در مرحله کنونی، فعالیتهايمان را حول سازماندهی ایدئولوژیک - سیاسی این گرایش در صفوف جنبش کمونیستی ایران متمرکز می نمائیم. محور این سازماندهی را نشریه آغازی نو قرار داده ایم. چون روز روشن است که شرط لازم برای دست یابی به اهداف فوق از طریق شرکت مستقیم در پروسه مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی توده ها و سازماندهی سیاسی و مستقل طبقه کارگر ایران میسر می باشد.

چهارچوب ایدئولوژیک - سیاسی زیر مبنای حرکت مشترک ما را تشکیل

میدهد .

در حوزه ایدئولوژی

- ۱ - اعتقاد به مارکسیسم به مثابه علم رهایی پرولتاریا و لنینیسم به مثابه مجموعه فکری منسجمی که کلی‌ترین قانونمندیهای استراتژی و تاکتیک انقلاب پرولتاریائی را در عصر حاضر مشخص کرده است .
- ۲ - دوران کنونی ، دوران انحطاط سرمایه‌داری و آستانه انقلاب پرولتاریائی است که سرآغاز آن با پیروزی انقلاب اکتبر مشخص گردید .
- ۳ - اعتقاد به استراتژی انقلاب اجتماعی سوسیالیستی و ضرورت استقرار دیکتاتوری پرولتاریا به مثابه شرط مقدم آغاز پروسه ساختمان سوسیالیسم .
- ۴ - ما در عین حال که پیروزی انقلاب پرولتری و آغاز ساختمان سوسیالیسم را در یک کشور عملی میدانیم ، اما معتقدیم که گذار به جامعه کمونیستی بی طبقه تنها در صورت تحقق انقلابات پرولتاریائی در مقیاس جهانی امکان پذیر است .
- ۵ - انترناسیونالیسم پرولتری ، جزء لاینفک ایدئولوژی کمونیستی است . اما آنچه که امروز در غالب انترناسیونالیسم پرولتری در سطح جنبش کمونیستی بین‌المللی از جانب حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی ارائه میشود ، چیزی جز انحراف از اصول انقلابی کمونیستی نیست .
- ۶ - مامصوبات کنگره های ۲۲ و ۲۰ حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی را که همچنان سنگ بنای ایدئولوژی این حزب را تشکیل میدهد به مثابه یک مجموعه نظری پیوسته ، تجدید نظر در اصول مارکسیسم - لنینیسم میدانیم .
- ۷ - ما معتقدیم که بحران کنونی جنبش کمونیستی جهانی ، ریشه در سالهای پس از مرگ لنین و انحرافات نظری و سیاسی آن دوران دارد . بیان مشخص این انحرافات در نقطه نظرات تروتسکی و استالین تجلی یافت . شیوه پیشبرد مبارزه نظری در این دوره و انحراف از شیوه مبارزه ایدئولوژیک لنینی باعث شد که اشتباهات تصحیح نشود و نظریات انحرافی در یک مبارزه ایدئولوژیک خلاق نفی و طرد نگردد . بدین ترتیب سیر بالنده و تکامل یابنده

اندیشه " سوسیالیسم " علمی دچار اختلال شد و جنبش کمونیستی از دست یابی بمنظریه انقلابی که بتواند پاسخگوی مشکلات و معضلات ایدئولوژیک - سیاسی و فرهنگی مبارزه طبقاتی در جهان معاصر باشد ، محروم ماند .

۸ - ما در عین آنکه مناسبات اقتصادی - اجتماعی بر شوروی و سایر کشورهای " اردوگاه " را در مجموع سوسیالیستی می دانیم ، معتقدیم که فقدان دمکراسی سیاسی در این جوامع ، مانعی سترگ در جهت رشد مبارزه طبقاتی و شکوفائی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی این جوامع میباشد .

در حوزه سیاست

- ۱ - از آنجا که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مهم ترین خواست دمکراتیک توده های مردم ایران می باشد ، حرکت در راستای تحقق این خواست و بکارگیری اشکال متنوع مبارزه در جهت سرنگونی انقلابی و قهرآمیز این رژیم از ضرورت و حقانیت تاریخی برخوردار می باشد .
- ۲ - کوشش در جهت تحقق آلترناتیو " استحاله " که بطور گریز ناپذیر از کانال سازش با رژیم ضدانقلابی حاکم می گذرد ، جز در خدمت تثبیت و تحکیم نظام ارتجاعی کنونی نمی باشد . از آنجا که تنها تحولی انقلابی و از پائین قادر است رژیم حاکم را از بن براندازد و زمینه را برای تداوم حرکت انقلابی توده ها به سوی يك انقلاب پرولتری فراهم آورد ، مبارزه و افشا ، جریان های طرفدار " استحاله " و تغییر تدریجی حکومت ، از ضرورتی اجتناب ناپذیر برخوردار می گردد .
- ۳ - بادر نظر گرفتن توازن قوای موجود ، درجه آگاهی و تشکل طبقه کارگر ، تحول انقلابی که در چشم انداز قرار گرفته ، از چهار چوبهای بورژوا - دمکراتیک فراتر نمی رود .
- ۴ - با در نظر گرفتن خصلت تحول آتی و با در نظر گرفتن منافع بلاواسطه و آتی طبقه کارگر ایران ، مبارزه پیگیر برای حقوق و آزادیهای دمکراتیک در سرلوحه وظایف عمومی جریانات چپ قرار می گیرد . (حقوق دمکراتیک کارگران ، زمین برای دهقانان ، خودمختاری برای خلقها ، حقوق دمکراتیک زنان ، جدایی کامل دین از دولت ، قطع نفوذ امپریالیسم ، حقوق و آزادیهای سیاسی)
- ۵ - کمونیستهای انقلابی می بایست با هدف سازماندهی مبارزات طبقه کارگر

و ارتقاء آگاهی این طبقه و با پیشبرد سیاستی مستقل ، به رادیکالیزاسیون جنبش دمکراتیک و ضدامپریالیستی مردم ایران یاری رسانند .

۶ - می بایست با چشم انداز حرکت در راستای ارتقاء سطح عمومی مبارزات مردم، پیوسته از اقدامات مثبت آلترناتیوهای رادیکال و دمکراتیک در مقابل آلترناتیوهای ارتجاعی (" استحاله " و " مشروطه سلطنتی ") در جهت رشد مبارزه طبقاتی و سوق دادن انقلاب به پیش حمایت کرد و با پیشبرد سیاستی مستقل در مسیر احراز هژمونی پرولتاریا و تداوم انقلاب برای تسخیر قدرت سیاسی و استقرار انقلابی ترین آلترناتیوی یعنی سوسیالیسم ، گامهای عملی برداشت . (این حمایت به معنی تأیید اقدامات دمکراتیک و انقلابی و مبارزه با تمامی مواضع و عملکردهای غیر دمکراتیک این آلترناتیو هاست)

ما کوشش خواهیم کرد که با مداخله فعال در مبارزه سیاسی جاری و با پرداختن به مسائل میرم ایدئولوژیک جنبش کمونیستی به سهم خود در ایجاد یک قطب قدرتمند کمونیست و مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم قرون وسطائسی حاکم بر میهنمان ، موثر واقع شویم .

توضیح این مطلب ضروری است که صفحات این نشریه به روی هرنقص جدی و هر فکر مخالفی که بتواند به ارتقاء مباحثات و روشن شدن گره گاههای سیاسی و ایدئولوژیک یاری رساند ، همواره باز است . همچنین بدیهی است که پیشبرد موفقیت آمیز اهداف این نشریه بدون همکاری و همیاری فکری و عملی انقلابیون و مبارزینی که به نوعی خود را با ما همراه و همدرد می بینند ، میسر نیست .

هیئت تحریره

بهمن ۱۳۶۴

* * * * *

..... من به تقدیر و به پیشانی و این گونه اباطیل ندارم باور

اگر از من شنوائی داری ، می گویم

هرکسی قطره خردی است در این روغن عظیم

که به تنهایی بی معنا و بی خاصیت است

و فشار آب است
آن ناچاری
که جهت بخش حقیقی است
ابلهان
بگذار

اسمش را

تقدیر کنند •

حرف من این است •
قطره ها باید آگاه شوند
که به همیاری

بی شک
می توان بر جهت تقدیری فائق شد ،
بی گمان ناآگاهی است
آنچه آسان جورا و امیدارد
که سرایشی را

نام بگذارد تقدیر

و مقدر را چیزی پندارد
که نمی یابد تغییر
رود سر در شیب

این را

مفت خود میداند

به همین ناآگاهی زنده است رود سر در شیب

و از این باور تقدیری

زنده و تا زنده است •

www.iran-archive.com

انتشارات آغازی نو

آدرسهای پستی

MR.M. LARI
B.P. 115
75263-PARIS CEDEX 06
FRANCE

فرانسه

www.iran-archive.com

Aghazi No
P.O. Box 7584
Berkeley, California 94707
U.S.A

آمریکا